

تحلیل فضایی محرومیت‌های توسعه‌یافتگی (مطالعه موردی: شهرستان‌های استان گیلان)

واراز مرادی مسیحی - استادیار و عضو هیئت‌علمی گروه شهرسازی دانشگاه آزاد، واحد تهران مرکزی
مانی طالبی* - کارشناس ارشد برنامه‌ریزی منطقه‌ای دانشگاه آزاد، واحد تهران مرکزی

پذیرش مقاله: ۱۳۹۳/۰۳/۰۴ تأیید نهایی: ۱۳۹۴/۰۳/۱۰

چکیده

در پژوهش حاضر، تحلیل فضایی محرومیت‌های توسعه‌یافتگی با مطالعه شهرستان‌های استان گیلان صورت گرفته است. براین اساس، از پنج معیار (فعالیت و سرمایه‌گذاری‌های صنعتی، نابرابری‌های اجتماعی - اقتصادی، جمعیت، راه و ارتباطات و بهداشت و درمان) و نوزده زیرمعیار استفاده شد. همچنین شهرستان‌های استان گیلان از طریق مدل تاپسیس^۱ و وزن‌دهی با شیوه AHP از منظر خبرگان در دو سطح حجم نمونه استادان دانشگاهی و مسئولان امر رتبه‌بندی و سطح‌بندی شده‌اند. در راستای تحلیل فضایی محرومیت‌ها، پس از ارزش‌گذاری زیرمعیارهای پژوهش از طریق سنجش میزان همبستگی، مهم‌ترین عامل، میزان نرخ بیکاری شناخته شده است. سپس با استفاده از روش دلفی راهکارهای مؤثر بر کاهش محرومیت‌های توسعه‌یافتگی از سوی کارشناسان شناسایی شده‌اند و از طریق مدل AHP میزان اهمیت عوامل مورد نظر اولویت‌بندی شده‌اند. مهم‌ترین راهکارها «بازشناسی فرصت‌های اشتغال از منطقه آزاد تجاری - صنعتی انزلی» و «فراهم آوردن فرصت‌های سرمایه‌گذاری بخش خصوصی» معرفی شده‌اند، اما تعامل دانشگاه و بخش صنعت از طریق پارک‌های علم و فناوری و رویکرد به شکل‌گیری خوشه‌های صنعتی به هدایت منطقه آزاد انزلی، موجب توسعه متوازن و ساماندهی فعالیت شهرک‌ها و نواحی صنعتی شهرستان‌های استان گیلان می‌شود و فرصت‌های اشتغال را بدون مهاجرت در شهرستان‌های استان فراهم می‌آورد تا از این طریق محرومیت توسعه‌یافتگی استان نیز کاهش یابد. مهم‌ترین موانع پیش روی توسعه متوازن شهرک‌های صنعتی استان گیلان نیز کمبود نقدینگی، تهیه مواد اولیه و ماشین‌آلات تأثیرگذار بوده است. در این پژوهش، شهرستان‌های شفت، فومن، رضوان‌شهر، ماسال و صومعه‌سرا شهرستان‌های محروم ناحیه غرب و شهرستان املش در ناحیه شرق استان گیلان شناخته شده‌اند.

واژه‌های کلیدی: توسعه‌یافتگی، تحلیل فضایی، شهرستان‌های استان گیلان، محرومیت‌های فضایی.

مقدمه

نابرابری فضایی را می‌توان توزیع نابرابر فرصت‌ها و مواضع اجتماعی در فضا دانست. نابرابری فضایی که شکل بارز آن نابرابری منطقه‌ای است، در هر جامعه‌ای جلوه‌های مختلفی دارد. شکل‌های قابل‌رؤیت آن در کشورهای درحال توسعه عبارت است از: نابرابری بین شهر و روستا، نابرابری بین شهرهای بزرگ و کوچک، نابرابری جغرافیایی درون شهرهای بزرگ، نابرابری بین مناطق محروم و مناطق برخوردار و... در میان شکل‌های گوناگون نابرابری فضایی، نابرابری بین شهر و روستا در کشورهای درحال توسعه برجستگی ویژه‌ای دارد (چلبی، ۱۳۹۱: ۲۰۱). وجود نابرابری و ابعاد مختلف آن از نشانه‌های مهم توسعه‌نیافتگی است؛ زیرا درحقیقت کشورهای توسعه‌یافته شناخته می‌شوند که علاوه بر داشتن شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی بالا، توزیع درآمدها و امکانات نیز در آن جوامع تقریباً عادلانه باشد، اما در کشورهای توسعه‌نیافته هم مقادیر این شاخص‌ها پایین است و هم توزیع آن بسیار ناعادلانه است (مصلی‌نژاد، ۱۳۸۴: ۵۶). همچنین بعد فضایی محرومیت‌ها را نمی‌توان به‌طور کامل از ابعاد اصلی و هویتی شکل‌گیری آن جدا کرد، به ویژه گروه‌هایی که اغلب به‌لحاظ فعالیت‌های اقتصادی و فرهنگی به حاشیه رانده شده‌اند و ساکن فضاهای محروم از بعد فیزیکی نیز هستند (خان، ۲۰۱۲: ۳۲).

پژوهش حاضر براساس پنج معیار (فعالیت و سرمایه‌گذاری‌های صنعتی، نابرابری‌های اجتماعی - اقتصادی، جمعیت، راه و ارتباطات و بهداشت و درمان) و نوزده زیرمعیار توسعه‌یافتگی، شهرستان‌های استان گیلان را سطح‌بندی و رتبه‌بندی کرده است. پس از تعیین سطوح توسعه‌یافتگی، به‌منظور تحلیل فضایی محرومیت‌ها، زیرمعیارهای پژوهش ارزش‌گذاری شده‌اند تا مهم‌ترین عوامل فضایی محرومیت‌های توسعه‌یافتگی استان گیلان تعیین و تحلیل شوند. پرسش اصلی پژوهش حاضر آن است که مهم‌ترین عوامل محرومیت‌های توسعه‌یافتگی استان گیلان کدام‌اند و در راستای برطرف کردن آن‌ها کدام راهکارهای اساسی را می‌توان ارائه داد.

گسترده‌ترین مطالعه خارجی صورت‌گرفته در این زمینه، پروژه وسیع تحقیقاتی UNU-Wider^۱ (مؤسسه جهانی پژوهش‌های توسعه اقتصادی) در سال ۲۰۰۵، درباره موضوع «نابرابری‌های فضایی در توسعه‌یافتگی» بوده است که در این راستا اسناد مربوط به نابرابری‌های فضایی در بیش از ۵۰ کشور درحال توسعه ارزیابی شدند. این تحقیق نشان می‌دهد نابرابری‌های فضایی در این کشورها بسیار زیاد است و محرومیت‌ها میان مناطق روستایی و شهری به‌دلیل توان‌ها و محدودیت‌های جغرافیایی شکل گرفته است. در بسیاری از کشورها که نابرابری‌ها درحال افزایش است، به‌طور نسبی نتایج تأثیرات نامتوازن از بازبودن درهای اقتصادی، تجارت و جهانی‌شدن مشاهده می‌شود. هرچند افزایش بهره‌وری با تمرکز بر فعالیت‌های اقتصادی در مراکز شهری عامل نابرابری‌های منطقه‌ای شده است، نگرانی‌های تقسیمات و اردوکنشی‌های سیاسی و قومی نیز قابل‌تأمل است. در این پروژه گسترده، سیاست‌های مدیریتی بالا به پایینی، تخصیص عادلانه فضایی زیرساخت‌ها و خدمات عمومی و سیاست‌های مطمئن در برابر مهاجرت‌های آزاد بررسی شده است.

هیگینز و دیگران (۲۰۱۰) در پژوهشی با عنوان «تعهدات سیاسی در پرداخت به ابعاد فضایی فقر» اسناد سیاسی را بررسی و هشت کشور را به‌عنوان نمونه‌های موردی برای شناسایی چگونگی انعکاس ابعاد فضایی فقر بر سیاست‌های توسعه‌یافتگی مطالعه کرده‌اند. نتایج پژوهش آن‌ها به این‌صورت بوده است: ۱. ایجاد تعادل میان جهانی‌شدن و هدفمندشدن در ابعاد داخلی؛ ۲. شکل‌دهی و طی کردن فرایند یکپارچگی اقتصادی؛ ۳. بهره‌گیری از سیاست‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت در کنار یکدیگر؛ ۴. متعهدبودن به مقیاس‌بندی و تنظیمات متفاوت راه‌های مبارزه با فقر.

بیل (۲۰۰۲) در پژوهشی با عنوان «جهانی‌شدن و محرومیت‌های اجتماعی در شهرستان‌ها: مطالعه بر روی نمونه‌هایی از آفریقا و آسیا» بررسی کرده است که حاکمیت شهری چگونه می‌تواند میان بهبود رفاه اجتماعی و کاهش محرومیت‌های اجتماعی با جهان درحال توسعه‌ای که خواسته‌های رقابتی به‌طور فزاینده اقتصاد جهانی را با تعهدات روبه رشد خود همراه می‌کند، تعادل برقرار کند. این پژوهش نقش متناقض در زمینه بحث جهانی‌شدن و محرومیت‌های

اجتماعی را بررسی کرده است و با استفاده از مطالعات موردی در آفریقای جنوبی و پاکستان نشان می‌دهد روند اقتصاد جهانی چگونه فرایندهای انحصاری موجود را تشدید می‌کند و عامل پیچیدگی چگونگی انجام‌دادن وظایف حاکمیت شهرها می‌شود. در پژوهش یادشده، با این آسیب‌شناسی راهکارهایی به‌منظور کاهش هزینه‌های متمرکز بر روند افسارگسیخته جهانی شدن ارائه شده است و عامل تمرکززدایی به‌منظور محرومیت‌زدایی بررسی شده است.

مبانی نظری

فضا حجم مکانی و زمانی مجموعه‌ای از تمامی فعالیت‌هایی است که انسان در راه تسلط بر طبیعت و برای بقای خود انجام می‌دهد. به عبارت دیگر، مقصود فضایی اقتصادی و اجتماعی است که منعکس‌کننده تمام هستی جوامع انسانی است (معصومی اشکوری، ۱۳۹۰: ۵۳). به عقیده دیوید هاروی، چالش ایده دریافت عینی و یگانه از فضا یا زمان که می‌توان در مقابل آن تنوع دریافت‌ها و مفاهیم انسانی را سنجید، حائز اهمیت است؛ زیرا نمی‌توان به فضا و زمان معانی عینی مستقل از فرایندهای مادی نسبت داد. در نتیجه، از منظر ماتریالیستی می‌توان چنین استدلال کرد که مفاهیم عینی زمان و فضا به‌طور ضروری از مجرای کنش‌ها و فرایندهایی خلق می‌شوند که در خدمت بازتولید زندگی اجتماعی است (هاروی، ۱۳۹۰: ۲۶۶-۲۶۷). سیطره بر فضا همان‌گونه که هر ژنرال و متخصص جغرافیای سیاسی می‌داند، بیشترین اهمیت راهبردی را در مبارزه قدرت دارد. کنترل بر سازمان فضایی و سلطه بر استفاده از فضا به ابزار حیاتی برای بازتولید مناسبات قدرت اجتماعی تبدیل می‌شود (هاروی، ۱۳۹۲: ۷۶-۷۷). با این حال، فضای اجتماعی خلق شده همان‌گونه که هانری لفیور اصرار دارد، فضای بازتولید اجتماعی نیز است (لفیور، ۱۹۷۴: ۳۶۹).

فضا یک تولید مادی است و در ارتباط با سایر عوامل مادی قرار می‌گیرد، اما به میزان شایان توجهی یک تولید ایدئولوژیک، سیاسی و فرهنگی نیز به‌شمار می‌آید. در این معنا، هر فضا درون مایه و ابعاد مختلفی دارد که متأثر از عوامل مادی و غیرمادی در معرض تغییر و تحول قرار می‌گیرد. درون مایه فضا شامل پدیده‌های طبیعی، ساخت‌های انسانی همانند شهرها، روستاها، راه‌های ارتباطی و مزارع می‌شود که محتوای طبیعی و انسانی فضا را شکل می‌دهد. درون مایه هر فضا به همراه پراکندگی نابرابر پدیده‌های طبیعی و انسانی سبب تحرک در جامعه می‌شود (شکویی، ۱۳۹۱: ۲۹۱). فلاسفه سیاسی بر این نکته توافق دارند که مفهوم عدالت پهنه وسیعی از روابط اجتماعی را دربرمی‌گیرد (برایان، ۱۹۸۹). از دیدگاه جان رالوز (۱۹۹۹: ۳) عدالت اولین فضیلت نهادهای اجتماعی است، همان‌گونه که حقیقت، اولین فضیلت نظام‌های اندیشه است، اما عدالت و برابری مطلق دست‌یافتنی نیست، آنچه دست‌یافتنی است کاهش بی‌عدالتی و نابرابری فضایی و اجتماعی است. یکی از اهداف برنامه‌ریزی منطقه‌ای و شاید مهم‌ترین آن، کاهش نابرابری به‌ویژه نابرابری فضایی است (عظیمی، ۱۳۸۴: ۶۵). فضاها به دلیل تفاوت در شرایط ناهمگون اجتماعی و اقتصادی شکل می‌گیرند. در این راستا می‌توان به فرصت‌های اشتغال، منابع و خدمات رفاهی با صرف هزینه‌هایی که بر فاصله و زمان و مانند آن فائق می‌آیند، اشاره کرد (سبکبار، ۱۳۹۱: ۸۶).

رشد شهرها ممکن است یک جنبه از این علل نابرابری‌های فضایی باشد، اما پرداختن به ابعاد تعیین‌کننده سیاسی در این راستا مغفول مانده است. بدین‌سان پرسش‌های اساسی‌ای مطرح می‌شود. آیا هزینه‌های زیرساختی باید به‌طور متمرکز پرداخت شوند؟ آیا جریان مهاجرت‌ها باید محدود شود؟ آیا نباید تسهیلی در پرداخت دستمزدها که یکی از عوامل ایجاد نابرابری‌های فضایی است صورت گیرد؟ نابرابری فضایی بعدی از تمام نابرابری‌هاست، اما اهمیت این موضوع هنگامی بیشتر جلوه‌گر می‌شود که تقسیم‌بندی‌های فضایی و منطقه‌ای با تنش‌های سیاسی و قومی عامل تضعیف ثبات اجتماعی و سیاسی شوند. با وجود این نگرانی‌های مهم عمومی و سیاسی، مستندات نظام‌مند شایان توجهی وجود دارد که براساس حقایق رخ داده در بیست سال اخیر، نشان‌دهنده درک نادرست عوامل درون‌نابرابری‌های فضایی و منطقه‌ای در

دنیاپی است که به سمت جهانی‌شدن سوق یافته است. در نتیجه، مباحث سیاسی به‌سوی مسائلی پیش می‌رود که دچار خلأ تجربی و تحلیلی شده‌اند (کانبور و ونابلس، ۲۰۰۳: ۲).

محرومیت ابعاد متعددی نظیر محرومیت اقتصادی، محرومیت سیاسی و محرومیت اجتماعی دارد (شیانی، ۱۳۸۴: ۴). ابعاد مختلف محرومیت‌ها شامل محرومیت درآمد، محرومیت اشتغال، محرومیت بهداشت و معلولیت، آموزش، محرومیت مهارت‌ها و تربیت، عدم بهره‌مندی از مسکن و خدمات عمومی شهری است. براساس نظریهٔ تاکی و استاویچ، وقوع جرایم ریشه در محرومیت‌های فضایی دارد. یکی از مؤثرترین این عوامل، محرومیت‌های اقتصادی است که حداقل در یکی از سه عامل بیکاری، یا دستمزد پایین، و یا کاهش هزینه‌های رفاهی خود را نشان می‌دهد این بعد از محرومیت با مفهوم طرد شدن در روابط (سالم) اجتماعی نیز در ارتباط مستقیم است (پاسیون، ۲۰۰۳: ۲۹۱). محرومیت‌های فضایی به عنوان موضوع اصلی مطالعات و جغرافیای شهری در طول دههٔ ۱۹۹۰ ظاهر شد و جغرافیدانان سهم مهمی در بررسی ابعاد فضایی نابرابری، محرومیت، جدایی‌گزینی و دیگر موضوعات با استفاده از تکنیک‌های متنوع نظیر تولید و تفسیر نقشه و تحلیل‌های آماری داشته‌اند (لانگلويس و کیچن، ۲۰۰۱: ۱۱۹).

روش پژوهش

به‌منظور تحلیل فضایی محرومیت‌های توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان گیلان، جامعهٔ آماری پژوهش شهرستان‌های استان گیلان را دربرمی‌گیرد و خبرگان در پژوهش حاضر شامل دو سطح استادان دانشگاهی در رشته‌های جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای (ده استادیار) و کارشناسان سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان گیلان (چهار کارشناس) می‌شوند که به پرسشنامه‌های مورد نظر در زمینهٔ وزن‌دهی مؤلفه‌های توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان، تعیین ضرایب همبستگی زیرمعیارهای توسعه‌یافتگی، شناسایی عوامل محرومیت‌های فضایی استان گیلان و اولویت‌بندی عوامل مذکور پاسخ داده‌اند. با توجه به ماهیت موضوع، پژوهش حاضر از نوع کیفی- کمی و از نظر نتیجه کاربردی است و در عین حال از نظر هدف و چگونگی جمع‌آوری داده‌ها و تولید اطلاعات اکتشافی، از نظر تبیین و ویژگی‌های جامعه توصیفی و از نظر چگونگی روابط متغیرها تحلیلی است. شیوهٔ گردآوری اطلاعات مبتنی بر داده‌های اسنادی- کتابخانه‌ای و پیمایش میدانی است. پژوهش حاضر به‌منظور رتبه‌بندی شهرستان‌ها از مدل تاپسیس و AHP استفاده کرده است، سپس شهرستان را در سه سطح (محروم، نیمه‌برخوردار و برخوردار) از طریق تحلیل خوشه‌ای و با کمک نرم‌افزار SPSS طبقه‌بندی کرده است. در راستای تحلیل فضایی محرومیت‌های توسعه‌یافتگی، زیرمعیارهای توسعه‌یافتگی در قالب ۵ معیار و ۲۴ زیرمعیار ارزش‌گذاری شدند که بدین‌منظور کارشناسان با پنج گزینهٔ کیفی (نامؤثر، تأثیر کم، مؤثر، تأثیر زیاد و تأثیر بسیار زیاد)، متناظر با اعداد (۰ تا ۴) از طریق ضریب همبستگی، میزان مثبت‌بودن همبستگی آن‌ها را در پرسشنامه‌ها تعیین کرده‌اند. برای بررسی روایی، سازگاری درونی و تکرارپذیری پرسشنامه‌ها (با ۲۴ پرسش ۵ گزینه‌ای از طیف لیکرت) به‌ترتیب از روش‌های روایی محتوایی، ضریب آلفای کرونباخ و بازآزمایی استفاده شد. داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS تجزیه و تحلیل شدند. براساس نتایج، پنج متغیر در پرسشنامه از نظر روایی محتوایی پایین بود و باید رد می‌شد. شاخص روایی محتوایی پرسشنامه ابتدا ۰/۶ به‌دست آمد و پس از حذف پرسش‌های اضافی مقدار نهایی ۰/۷۶۳ محاسبه شد. در این راستا، چند نفر از استادان دانشگاه در دو گروه جغرافیا و شهرسازی، روایی ابزار پژوهش را تأیید کردند و نتایج نشان داد پرسشنامهٔ نهایی پایا و تکرارپذیر است ($\alpha=0/96$) ($ICC=0/966$, $p<0/0001$). درآمد، با استفاده از روش دلفی راهکارهای مورد نیاز در راستای کاهش محرومیت‌های توسعه‌یافتگی براساس عواملی که همبستگی مثبت داشتند شناسایی شدند و درنهایت با استفاده از روش AHP راهکارهای مورد نظر اولویت‌بندی شدند.

بحث و یافته‌ها

جدول ۲ و ۳ نتایج نظرسنجی‌ها از کارشناسان و رتبه‌بندی‌ها و سطح‌بندی‌های شهرستان‌های استان گیلان را نشان می‌دهد. براساس آزمون کای اسکوئر، زیرمعیاری همبستگی مثبت دارد که $\text{Sig} > 0/5$ درصد باشد و فقط پنج زیرمعیار به‌منظور تحلیل نابرابری‌های فضایی از منظر کارشناسان با انجام‌دادن این آزمون بر این قاعده استوار بودند که این زیرمعیارها در جدول ۲ مشخص می‌شوند. همچنین منظور از $\text{cli}+$ در جدول ۳، مرحله‌ی نهایی و هفتم محاسبات مدل تاپسیس است که به‌صورت ترتیبی، از بزرگ‌ترین به کوچک‌ترین، از رتبه‌ی اول تا شانزدهم برای شهرستان‌های استان گیلان، در هر معیار و در رتبه‌بندی نهایی مشخص شده است.

جدول ۱. ارزش‌گذاری زیرمعیارها براساس درجه‌ی اهمیت تحلیل فضایی محرومیت‌ها

نام‌مؤثر	تأثیر کم	مؤثر	تأثیر زیاد	با تأثیر بسیار زیاد
۰	۱	۲	۳	۴

منبع: نگارندگان

جدول ۲. تعیین ضریب توسعه‌یافتگی و ضریب محرومیت براساس مثبت‌بودن ضرایب همبستگی

معیارها	وزن معیارها	زیرمعیارها *	زیرمعیارها *	زیرمعیارها *	زیرمعیارها *
راه و ارتباطات	۰/۱۰۰	راه اصلی، چهارخطه، عریض و معمولی	۰/۵۹۴	ضریب نفوذ تلفن ثابت	۰/۱۲۲
			۲/۳۴	۰/۹۸	۱/۱۵
			$\text{Sig} = 0/47 > 0/50$		
فعالیت و سرمایه‌گذاری‌های صنعتی	۰/۴۱۹	نسبت فعالانی که تحصیلات عالی دارند	۰/۰۸۲	سرمایه‌گذاری‌های بخش صنعت	۰/۳۰۲
			۱/۲۸	۳/۱۰	۱/۹۵
			$\text{Sig} = 0/25 > 0/50$		
بهداشت و درمان	۰/۱۳۴	تعداد پزشک	۰/۴۷۱	تعداد داروخانه	۰/۰۹۰۱
			۱/۴۲	۰/۷۲	۱/۷۹
نابرابری‌های اجتماعی-اقتصادی	۰/۱۷۰	نسبت باسوادان محصل در مقطع عالی	۰/۰۷۲	کنترل مهاجرت روستاییان به شهر	۰/۴۷
			۱/۴۸	۲/۹۵	۱/۷۲
			$\text{Sig} = 0/13 > 0/50$		
جمعیت	۰/۱۷۷	معکوس بعد خانوار	۰/۱۶۷	معکوس جوانی جمعیت	۰/۴۸۳
			۱/۱۲	۱/۷۲	۰/۳۴۸
			۱/۴۲		

* ضریب توسعه‌یافتگی با اعمال نظرسنجی روش AHP به‌منظور رتبه‌بندی شهرستان‌ها در مدل تاپسیس

** میانگین ارزش‌گذاری میزان محرومیت زیرمعیارها به‌منظور تحلیل فضایی محرومیت‌ها

■ زیرمعیارهایی که از بالاترین ضریب همبستگی برای تحلیل فضایی محرومیت‌های توسعه‌یافتگی برخوردارند.

منبع: نگارندگان

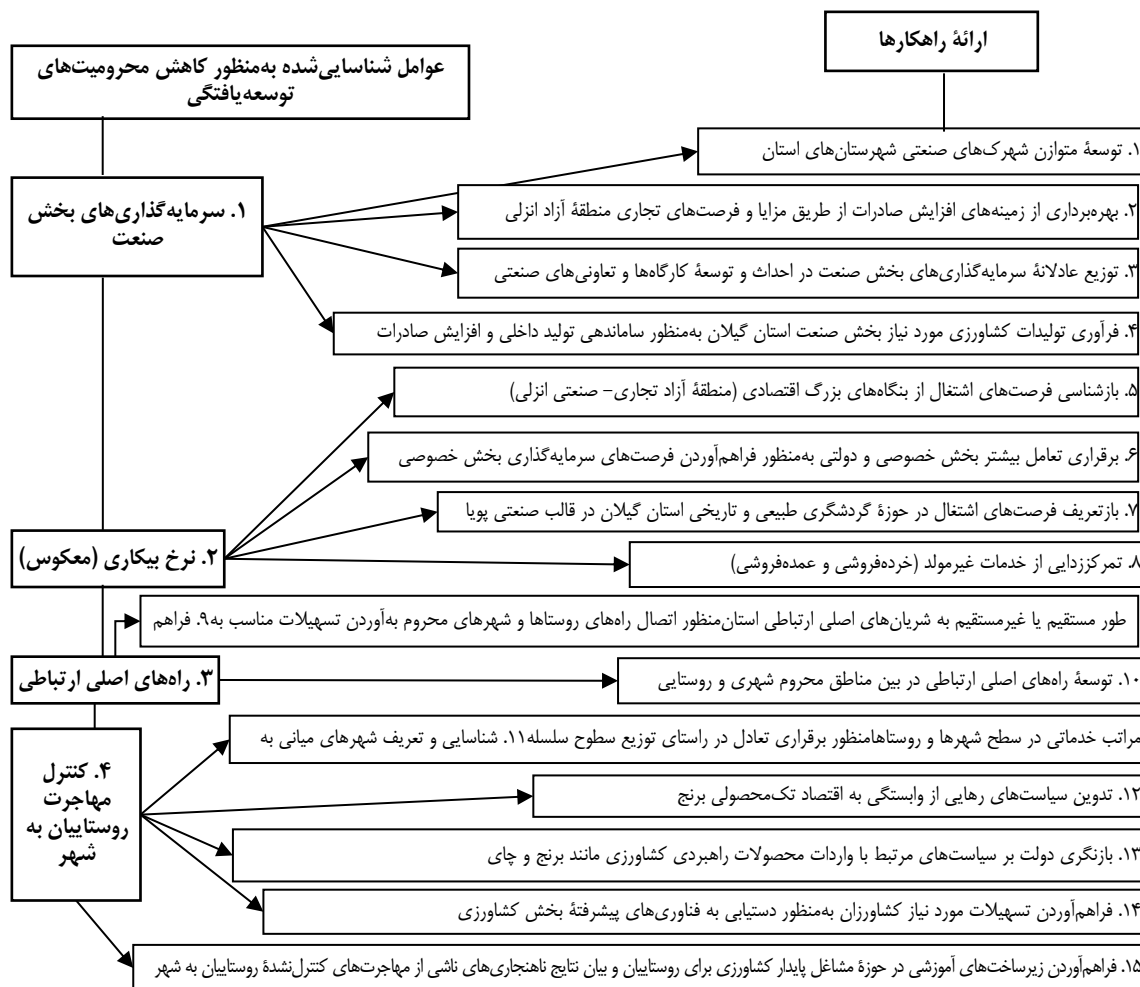
جدول ۳. رتبه‌بندی و سطح‌بندی شهرستان‌ها در هر معیار و در تمامی معیارها پس از محاسبات روش‌های کمی پژوهش

سطوح توسعه‌یافتگی	معیارها		جمعیت		فعالیت و سرمایه‌گذاری صنعتی		راه و ارتباطات		بهداشت و درمان		نابرابری‌های اجتماعی-اقتصادی	
	وزن معیارها		رتبه		رتبه		رتبه		رتبه		رتبه	
	Cli+	رتبه	Cli+	رتبه	Cli+	رتبه	Cli+	رتبه	Cli+	رتبه	Cli+	رتبه
برخوردار	۱	رشت	۰/۷۶۵	۱	۰/۹۹۴	۱	۰/۴۲۵	۱	۰/۹۱۲۶	۱	۱/۰۰	۰/۳۷۳
	۲	بندر انزلی	۰/۵۷۶	۲	۰/۵۸	۲	۰/۳۱۱	۶	۰/۲۱۵۲	۳	۰/۱۳	۰/۲
	۳	لاهیجان	۰/۳۱۱	۳	۰/۵۲۲	۵	۰/۱۷۲	۹	۰/۲۰۶۲	۲	۰/۱۵۶	۰/۲۲
	۴	رودبار	۰/۲۸۹	۸	۰/۰۲۲	۸	۰/۰۸۸	۹	۰/۲۴۵۵	۷	۰/۱۱۷۶	۰/۳۶۳
	۵	لنگرود	۰/۱۹۷	۴	۰/۳۶۳	۴	۰/۱۹۵	۱۱	۰/۱۵۲۱	۴	۰/۱۲۸۵	۰/۱۶۳
	۶	تالش	۰/۱۷۱	۱۶	۰/۰۶۷	۱۶	۰/۲۴۳	۳	۰/۱۵۶۴	۵	۰/۱۲۴۳	۰/۱۶۸
	۷	آستانه	۰/۱۶۸	۵	۰/۲۹۲	۵	۰/۰۸۲	۱۰	۰/۳۲۱۶	۹	۰/۱۱۴۴	۰/۱۲۸
	۸	اشرفیه	۰/۱۱۵	۱۲	۰/۰۹۵	۱۲	۰/۰۸۹	۸	۰/۲۰۹	۶	۰/۱۱۷۸	۰/۱۵
	۹	سیاهکل	۰/۱۱۲	۷	۰/۰۲۲	۷	۰/۰۹۴	۶	۰/۰۸۵۸	۱۳	۰/۱۱	۰/۴۳۲
	۱۰	آستارا	۰/۱۰۵	۹	۰/۲۲۳	۹	۰/۰۲۶	۱۵	۰/۲۱۹۶	۱۰	۰/۰۸۲۸	۰/۱۹۴
نیمه برخوردار	۱۱	صومعه‌سرا	۰/۱۰۱	۶	۰/۲۴۷	۱۱	۰/۰۵۶	۴	۰/۲۲۰۱	۸	۰/۱۱۶۴	۰/۱۱۱
	۱۲	املش	۰/۰۹۵	۱۱	۰/۰۹۷	۷	۰/۰۹۲	۱۶	۰/۰۷۷	۱۱	۰/۰۹۱۹	۰/۱۲۹
	۱۳	ماسال	۰/۰۸۱	۱۰	۰/۱۹۲	۱۳	۰/۰۵۱	۱۳	۰/۱۰۸	۱۵	۰/۰۱۶۱	۰/۱۹۵
	۱۴	فومن	۰/۰۷۱	۱۵	۰/۰۶۷	۱۴	۰/۰۴۲	۱۴	۰/۱۲۶۵	۱۲	۰/۰۸۴۸	۰/۱۱۴
	۱۵	شفش	۰/۰۶۶	۱۳	۰/۰۸	۱۶	۰/۰۲۲	۱۶	۰/۰۸۹۹	۱۴	۰/۰۲۳۷	۰/۱
	۱۶	رضوانشهر	۰/۰۵۹	۱۴	۰/۰۶۹	۱۲	۰/۰۵۵	۱۲	۰/۲۱۱۶	۷	۰/۰۱۵۲	۰/۱۱۷
		ضریب پراکندگی	۱/۰۳۳		۱/۳۳		۰/۶۱۷		۱/۳۸		۰/۷۵۴	

■ در هر معیار: ■ محروم □ نیمه‌برخوردار □ برخوردار
منبع: نگارندگان

از میان تمام زیرمعیارها که به‌منظور تحلیل فضایی محرومیت‌های توسعه‌یافتگی از منظر کارشناسان ارزش‌گذاری شدند، چهار زیرمعیار همبستگی مثبت داشته‌اند. به‌ترتیب بیشترین ارزش شامل ۱. نرخ بیکاری (معکوس- با میانگین ۳/۱۸۵)؛ ۲. سرمایه‌گذاری‌های بخش صنعت (با میانگین ۳/۱۰)؛ ۳. کنترل مهاجرت روستاییان به شهر (با میانگین ۲/۹۵)؛ ۴. راه‌های اصلی به‌صورت چهار خطه، عریض و معمولی (با میانگین ۲/۳۴) می‌شود.

اما روش دلفی به‌طور عمده با هدف کشف ایده‌های نوآورانه و قابل‌اطمینان یا تهیه اطلاعاتی مناسب به‌منظور تصمیم‌گیری به‌کار گرفته می‌شود. روش دلفی فرایندی ساختاریافته برای جمع‌آوری و طبقه‌بندی دانش موجود در نزد گروهی از کارشناسان و خبرگان است و برخلاف روش‌های پژوهش پیمایشی، اعتبار روش دلفی نه به شمار شرکت‌کنندگان در پژوهش که به اعتبار علمی متخصصان شرکت‌کننده بستگی دارد. از طریق این روش، مهم‌ترین راهکارها برای هر یک از عوامل شناسایی‌شده به‌منظور کاهش محرومیت‌های توسعه‌یافتگی تعیین شد که در شکل ۱ قابل مشاهده است. همچنین با توجه به اینکه محقق عواملی را پیشنهاد داده است، این پرسشنامه به‌صورت باز طراحی شده است و پس از تأیید تمام گزینه‌های پیشنهادی، خبرگان گزینه‌های ۸، ۱۱، ۱۳ و ۱۴ در شکل ۱ را در مراحل دوم و سوم دلفی اضافه و آن‌ها را تأیید کرده‌اند.



شکل ۱. شناسایی مهم‌ترین راهکارها به منظور کاهش محرومیت‌های توسعه‌یافتگی استان گیلان

منبع: نگارندگان

در ادامه، به منظور تعیین اهمیت مؤلفه‌های شناسایی شده به عنوان عوامل تحلیل فضایی محرومیت‌های توسعه‌یافتگی استان گیلان از روش AHP استفاده شد تا مهم‌ترین گزینه‌ها از بعد کارشناسان معرفی شوند.

جدول ۴. تعیین اولویت‌های مهم‌ترین عوامل شناسایی شده محرومیت‌های فضایی استان گیلان

۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۰/۰۱۹	۰/۰۵۲	۰/۰۱۸	۰/۱۲	۰/۰۷۲	۰/۰۱۳	۰/۰۱	۰/۰۶۷	۰/۰۷۹	۰/۱	۰/۱۸۲	۰/۰۱۲	۰/۰۷۶	۰/۰۸۷	۰/۰۹۳

■ مهم‌ترین عوامل

منبع: نگارندگان

در این میان، بالاترین وزن مربوط به گزینه «بازشناسی فرصت‌های اشتغال از بنگاه‌های بزرگ اقتصادی (منطقه آزاد تجاری-صنعتی انزلی)» بود و عوامل «برقراری تعامل بیشتر بخش خصوصی و دولتی به منظور فراهم‌آوردن فرصت‌های سرمایه‌گذاری بخش خصوصی» و «تدوین سیاست‌های رهایی از وابستگی به اقتصاد تک‌محصولی برنج» در رتبه‌های بعدی قرار گرفتند.

توزیع جمعیت چه در مناطق شهری و چه در مناطق روستایی استان گیلان ناهمگونی ویژه‌ای دارد. مهم‌ترین قطب

توسعه و تمرکز جمعیتی استان، شهر رشت و مناطق اطراف آن است؛ به طوری که براساس سرشماری نفوس و مسکن استان گیلان در سال ۱۳۹۰، ۴۶/۶۲ درصد جمعیت شهرنشین استان در شهرستان رشت و ۵۴/۴۱ درصد جمعیت شهرنشین استان در دو شهرستان رشت و انزلی هستند. جمعیت بسیار زیاد شهرستان رشت (حدود ۳۷ درصد از جمعیت استان)، وجود و تمرکز شدید امکانات تولید و کارگاهی، وجود مؤسسات مالی و اعتباری، وجود فرودگاه بین‌المللی رشت و وجود مراکز تخصصی خدمات برتر موجب تمرکزگرایی شدید این شهر شده است (یاسوری، ۱۳۹۰: ۱۴۶). همچنین توزیع نابرابر جغرافیایی جمعیت در گیلان محصول شیوه ارتباط و بهره‌گیری انسان از محیط جغرافیایی و عوامل جذب و دفع آن در این محیط است. محدودیت‌های دفع‌کننده جمعیت که برای سکونت و فعالیت در فضای جغرافیایی گیلان وجود دارد، به طور عمومی در مناطق کوهستانی و جنگلی آن دیده می‌شود، نه در نواحی جلگه‌ای. از این رو، پهنه‌های کوهستان و جنگل مانع اصلی سکونت انسان در این منطقه محسوب می‌شود. برخی موانع طبیعی در مناطق کوهستانی استان و همین‌طور پراکنش ناهمگون جمعیت در این نواحی نیز بر ایجاد نابرابری‌ها مؤثر بوده است (عظیمی، ۱۳۸۱).

براساس سرشماری عمومی نفوس و مسکن گیلان در سال ۱۳۹۰، توزیع نسبی شاغلان ۱۰ ساله و بیشتر در استان گیلان در سه بخش عمده فعالیت‌های اقتصادی به این صورت است: ۲۵ درصد در بخش کشاورزی، ۲۵/۴ درصد در بخش صنعت و ۴۹/۴ درصد در بخش خدمات که بالا بودن سهم بخش خدمات در اقتصاد استان و روند تقریباً صعودی سهم این بخش بیانگر توسعه‌یافتگی استان نیست؛ زیرا در بین بخش‌های خدماتی بالاترین میزان سهم مرتبط با بخش خدمات غیرمولد (عمده‌فروشی و خرده‌فروشی) است. به عبارت دیگر، سهم بالای بخش خدمات و روند صعودی آن در مقابل سهم پایین بخش‌های کشاورزی و صنعت و روند نزولی آن در اقتصاد بیانگر اقتصاد بیمار و جهش‌های ناموزون آن است (گزارش توسعه استان گیلان، ۱۳۹۰)، اما مهم‌ترین عامل شکل‌گیری محرومیت‌ها و برهم‌زننده تعادل فضایی در سطح استان گیلان، عامل بیکاری تعیین شده است. در پاییز سال ۱۳۹۲، پس از استان لرستان، استان گیلان با ۱۶/۴ درصد نرخ بیکاری، دومین استان بیکار کشور شناخته شد که نسبت به دو سال گذشته ۱/۳۲ درصد افزایش یافته بود (براساس سرشماری عمومی نفوس و مسکن گیلان، ۱۳۹۰ و گزارش مرکز آمار ایران از نرخ بیکاری در سال ۱۳۹۲). عوامل متعددی در راستای تشریح نرخ بالای بیکاری در یک منطقه مطرح می‌شود، اما در این میان تعامل بخش خصوصی و دولت به‌منظور فراهم‌آوردن فرصت‌های سرمایه‌گذاری بخش خصوصی مهم‌ترین موضوع است. در پژوهش حاضر، یکی از عوامل مؤثر در کاهش نرخ بیکاری و تعریف فرصت‌های شغلی جدید، افزایش حوزه نفوذ و فعالیت‌های بنگاه‌های بزرگ اقتصادی شناخته شده است.

منطقه آزاد تجاری-صنعتی انزلی در فاصله ۴۰ کیلومتری شمال غربی شهر رشت (مرکز گیلان) در کرانه جنوبی دریای خزر واقع شده است که به دلیل قرارگرفتن در مسیر ترانزیتی کشورهای آسیای جنوب شرقی، حاشیه خلیج فارس، جمهوری‌های آسیای میانه، قفقاز و روسیه اهمیت زیادی دارد. این منطقه یکی از بهترین مناطق جغرافیایی از نظر توسعه فعالیت‌های گردشگری، اقتصادی، صنعتی و تجاری با توجه به نزدیکی به کلان‌شهر رشت و بندر انزلی است و با وجود قوانین بسیار مناسب مانند انواع معافیت‌های مالیاتی و ایجاد امنیت سرمایه از مناطق مستعد به‌منظور جذب سرمایه‌گذاری خارجی و داخلی به‌شمار می‌آید. در راهبردهای بلندمدت توسعه استان گیلان (گیلان- برنامه ۱۴۰۰) بر پایه قابلیت‌ها و تنگناهای استان، مهم‌ترین اصول کلی توسعه تا سال ۱۴۰۰، بر نقش منطقه ویژه اقتصادی بندر انزلی در افزایش نقش و سهم استان در تقسیم کار ملی از جنبه فعالیت‌های بندری و بازرگانی خارجی تأکید شده است تا به افزایش اشتغال و سطح درآمد در منطقه منجر شود (مرکز امور مناطق آزاد و ویژه اقتصادی، ۱۳۸۹: ۶۲). با توجه به مزایای مطرح‌شده و نقش منطقه آزاد تجاری-صنعتی انزلی در برنامه‌های توسعه استان گیلان، در پژوهش حاضر نیز کارشناسان به بازشناسی فرصت‌های اشتغال در منطقه آزاد تجاری-صنعتی انزلی تأکید و توجه داشته‌اند.

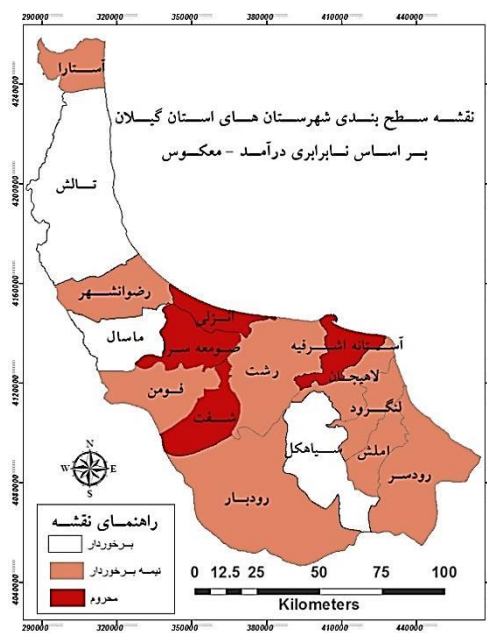
علت اصلی محرومیت‌های توسعه‌یافتگی در سطح منطقه، برهم‌خوردن تعادل مورد نیاز در برقراری روابطی است که

میان عوامل شکل‌دهنده فضا یعنی انسان، فعالیت و سکونتگاه‌ها وجود دارد. یکی از این عوامل به ویژه در کشورهای در حال توسعه، مسئله مهاجرت روستاییان به شهرها است. نتایج روش دلفی با جمع‌بندی کردن نظر کارشناسان در پژوهش حاضر نشان می‌دهد تدوین سیاست‌های بلندمدت در کنترل مهاجرت روستاییان به شهر خود عاملی کارا در ارتقای تولیدات کشاورزی به‌شمار می‌آید؛ زیرا وابستگی روستاییان به زمین‌های زیرکشت در طول سال در استان گیلان متأثر از کشت برنج است و زمین‌های حاصلخیز فقط در شش ماه از سال میزبان بوته‌های شالی است و بیشتر آن‌ها پس از برداشت برنج، نیمه دوم سال، دست‌نخورده و بی‌استفاده رها می‌شوند. به‌این‌ترتیب، بیکاری زمین رابطه مستقیمی با بیکاری کشاورزان پیدا می‌کند که موجب افزایش مهاجرت‌ها و پیدایش مشاغل کاذب و فصلی می‌شود. به‌علت محدودبودن زمین‌های قابل‌کشت در این استان می‌توان با افزایش تعداد دفعات کشت به‌دلیل وجود شرایط اکولوژیکی مناسب، کشت دوم یا همان کشت بعد از برداشت برنج را یکی از راهکارهای برون‌رفت از وابستگی به اقتصاد تک‌محصولی برنج در نظر گرفت. کشت دوم موجب افزایش تولید و درآمد خانوارهای روستایی، بهبود شرایط فیزیکی و شیمیایی خاک، کاهش مصرف سموم و کودهای شیمیایی و بهبود حاصلخیزی خاک و محصول برنج می‌شود و به‌این‌ترتیب در هر هکتار نسبتی معادل ۷۰ تا ۸۰ درصد درآمد حاصل از کشت برنج، نصیب کشاورزان می‌شود که این مسئله کنترل مهاجرت‌های روستاییان را در زمان بیکاری زمین و افزایش وابستگی آن‌ها به زمین‌های کشاورزی به‌دنبال دارد و در نتیجه موجب دستیابی بر تعادل فضایی در استان گیلان می‌شود، اما در دوران حاضر افزایش کیفی و کمی محصولات کشاورزی منوط به برقراری رابطه متناسب میان بهره‌وری از نیروی کار، سرمایه و فناوری است و حرکت در این راستا نیازمند آموزش‌های هدفمند کشاورزان در زمینه‌های آشنایی با فناوری‌های نوین و شیوه‌های به‌روزشده کاشت، داشت و برداشت با توجه به ملاحظات اقلیمی است. البته در این میان تعامل بخش خصوصی و دولت به‌منظور سرمایه‌گذاری‌های خرد و کلان در راستای پایبندی به اصول پایدار نیز حائز اهمیت است.

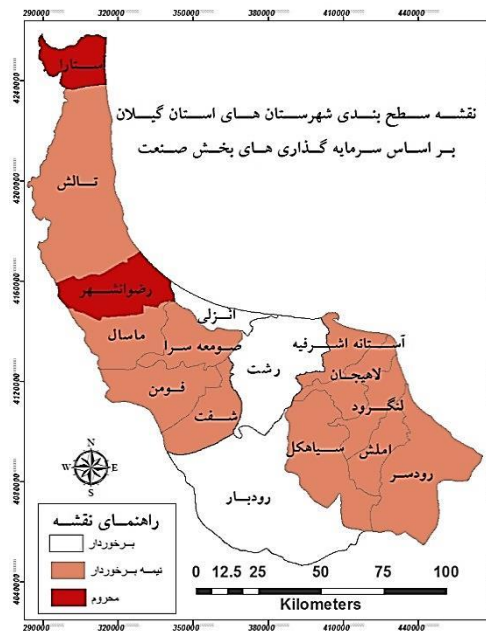
عامل مهم دیگر در کاهش محرومیت‌های توسعه‌یافتگی استان گیلان، فعالیت‌های پایدار در حوزه گردشگری شناخته شده است. استان گیلان یکی از سرسبزترین استان‌های خاورمیانه و ایران است که در زمینه گردشگری طبیعی، تاریخی و فرهنگی قابلیت‌های زیادی دارد. این امتیاز بزرگ‌ترین عامل کاهش نرخ بیکاری و افزایش فرصت‌های شغلی است. آنچه تاکنون موجب تحقق نیافتن این موضوع شده است، شکل‌نگرفتن صنعتی پویا در حوزه گردشگری در سطح کشور و استان است. بزرگ‌ترین معضلات موجود در حوزه فعالیت‌های گردشگری در استان، فصلی‌بودن این مشاغل است که معمولاً به حضور گردشگران در ایام تعطیل سال و به‌ویژه ایام نوروز وابسته است و این مسئله وابستگی به مشاغل خرده‌فروشی و غیرمولد را افزایش می‌دهد. در صورتی که گردشگری به صنعتی پویا تبدیل شود و چرخه اقتصادی نظام‌یافته‌ای داشته باشد، تقسیم و توزیع کار در بخش خصوصی و دولتی با شبکه‌هایی مرتبط شکل می‌گیرد.

عامل دیگر تحلیل محرومیت‌های توسعه‌یافتگی نیز برخورداری از راه‌های اصلی در استان بوده است. اهمیت این موضوع در استان گیلان با قابلیت گردشگری پذیر بودن استان، قرارگرفتن در مسیر نوستراک، حمل‌ونقل کالاهای ترانزیتی، وجود مرزهای دریایی و زمینی و حمل‌ونقل کالاهای صادراتی و وارداتی، تولید محصولات راهبردی و ارسال آن به بازارهای هدف نمایان می‌شود که این امر نیاز توسعه ارتباطی مسیرها را در استان نشان می‌دهد. حمل‌ونقل نقشی کلیدی در توسعه دارد و با احداث شریان‌های مناسب حمل‌ونقلی می‌توان امکانات را به‌صورت عادلانه‌تر در استان توزیع کرد. ایجاد اشتغال و فرصت‌های سرمایه‌گذاری در گیلان نیز مستلزم توسعه زیرساخت‌های عمرانی به‌ویژه راه‌های مواصلاتی است.

نقشه‌های زیر شامل نقشه‌های سطح‌بندی شهرستان‌های استان گیلان براساس پنج معیار و شانزده زیرمعیار تحلیل فضایی محرومیت‌ها (شکل‌های ۲ تا ۶) و نقشه سطوح توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان گیلان براساس پنج معیار و نوزده زیرمعیار توسعه‌یافتگی در استان گیلان می‌شود (شکل ۷).



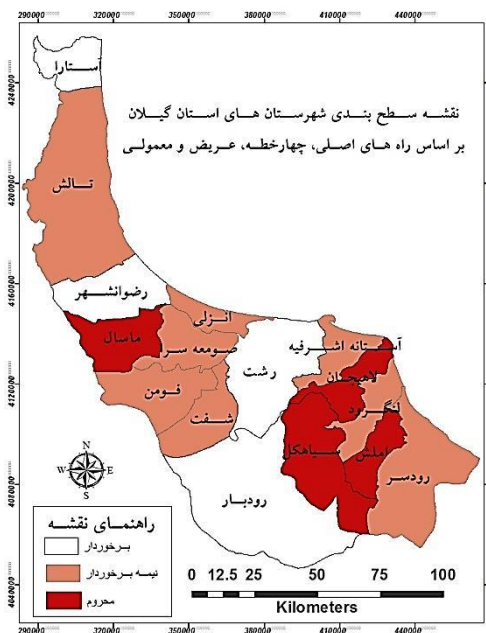
شکل ۳. سطح بندی شهرستان های استان گیلان بر اساس نابرابری درآمد (ضریب جینی - معکوس)
منبع: نگارندگان



شکل ۲. نقشه سطح بندی شهرستان های استان گیلان بر اساس سرمایه گذاری های بخش صنعت
منبع: نگارندگان



شکل ۵. نقشه سطح بندی شهرستان های استان گیلان بر اساس فعالیت بخش کشاورزی
منبع: نگارندگان

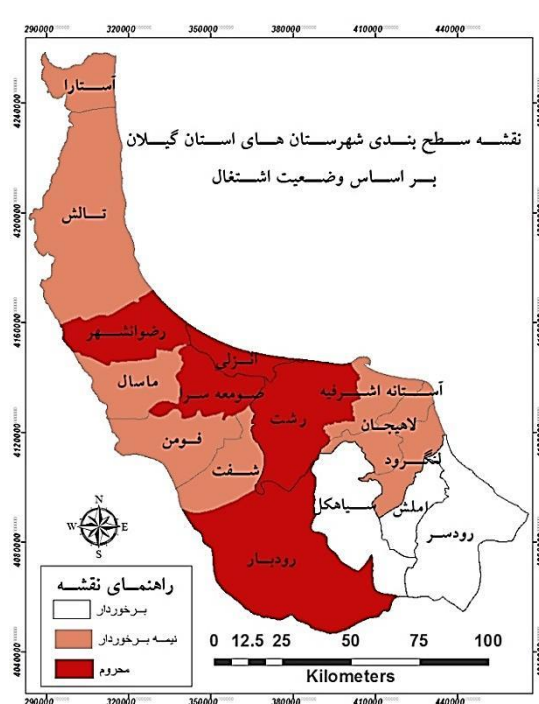


شکل ۴. نقشه سطح بندی شهرستان های استان گیلان بر اساس فعالیت بخش کشاورزی
منبع: نگارندگان



شکل ۷. نقشه سطوح توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان گیلان

منبع: نگارندگان



شکل ۶. براساس وضعیت نرخ بیکاری (معکوس)

منبع: نگارندگان

نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر، پس از سطح‌بندی و رتبه‌بندی شهرستان‌های استان گیلان براساس معیارها و زیرمعیارهای توسعه‌یافتگی، عوامل محرومیت‌های توسعه‌یافتگی از دیدگاه کارشناسان جست‌وجو شد و به‌منظور تحلیل فضایی این عوامل به‌ترتیب اهمیت چهار عامل اصلی ۱. نرخ بیکاری (معکوس)؛ ۲. سرمایه‌گذاری‌های بخش صنعت؛ ۳. کنترل مهاجرت روستاییان به شهر؛ ۴. راه‌های اصلی به‌صورت چهار خطه، عریض و معمولی شناسایی شد. کارشناسان نیز این عوامل را بار دیگر تجزیه و تحلیل کردند و با درنظرگرفتن پانزده عامل مرتبط و با بررسی روابط درونی میان آن‌ها از طریق روش AHP، مهم‌ترین راهکارها به‌ترتیب اولویت در کاهش محرومیت‌های توسعه‌یافتگی، «بازشناسی فرصت‌های اشتغال از بنگاه‌های بزرگ اقتصادی (منطقه آزاد تجاری- صنعتی انزلی)»، «برقراری تعامل بیشتر بخش خصوصی و دولتی به‌منظور فراهم‌آوردن فرصت‌های سرمایه‌گذاری بخش خصوصی» و «تدوین سیاست‌های رهایی از وابستگی به اقتصاد تک‌محصولی برنج» معرفی شدند.

عوامل زیر موجب جذب سرمایه و فراهم‌کردن حضور گسترده‌تر سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی و بخش خصوصی در استان گیلان می‌شود: ایجاد سازوکار به‌روزرسانی فرصت‌های جدید سرمایه‌گذاری از سوی دستگاه‌های اجرایی، ایجاد بانک اطلاعات سرمایه‌گذاری خارجی و سرمایه‌گذاران گیلانی، برقراری ارتباط با آژانس‌های سرمایه‌گذاری خارجی، تسهیل کردن پیچیدگی‌های شناسایی سرمایه‌گذاری واقعی، ایجاد فضای مرکز خدمات سرمایه‌گذاری به‌منظور مذاکره با سرمایه‌گذاران، برقراری ارتباط مناسب بین مرکز خدمات سرمایه‌گذاری خارجی با منطقه آزاد به‌عنوان اولویت اول جلب و جذب، تسهیل و تسریع در صدور مجوزها، فراهم‌آوردن زمین مناسب برای سرمایه‌گذاری و مدنظر قراردادن دریای خزر به‌عنوان سرزمین مادری و بهره‌مندی از فرصت‌های آن برای سرمایه‌گذاری در زمینه توسعه دریامحوری، حمل‌ونقل دریایی، سوپاپ انرژی، تجارت، ترانزیت و توسعه گردشگری دریایی، امکان بهره‌مندی از صندوق توسعه ملی و نرخ منفی بهره واقعی بانک‌ها، فاینانس و اوراق مشارکت و تقویت تعامل با کشورهای منطقه به‌ویژه روسیه که جزء ده کشور

سرمایه‌فرست محسوب می‌شود (مرکز سرمایه‌گذاری استان گیلان، ۲۰۱۴). در این راستا، اقدامات دولت به‌منظور از میان برداشتن موانع پیش رو نیز حائز اهمیت است.

همچنین منطقه آزاد تجاری-صنعتی انزلی به‌عنوان یک بنگاه بزرگ و کارآمد اقتصادی با توان بالای تولیدی و صادرات با توجه به معافیت‌های گمرکی و مزایای جغرافیایی و ارتباطی ممکن است با تقسیم و توزیع کار در سطح استان گیلان با مدنظر قراردادن برنامه‌های توسعه استان، موجب کاهش محرومیت‌های توسعه‌یافتگی شود. شایان ذکر است شهرستان انزلی در پژوهش حاضر براساس معیارهای توسعه‌یافتگی، شهرستان برخوردار محسوب شده است، اما در شاخص نرخ بیکاری بیکارترین شهرستان استان شناخته شده است، درحالی‌که منطقه آزاد در این شهرستان قرار دارد. شهرستان رشت نیز در میان شهرستان‌های استان از این نظر در سطح محروم قرار گرفته است. همچنین در این پژوهش شهرستان‌های شفت، فومن، رضوانشهر، ماسال و صومعه‌سرا شهرستان‌های محروم استان گیلان در ناحیه غرب و شهرستان املش در ناحیه شرق استان شناخته شده‌اند. به‌موجب برون‌رفت از محرومیت‌های توسعه‌یافتگی و با توجه به عوامل شناسایی‌شده در تحلیل فضایی این موضوع، کارشناسان به توانمندسازی شهرک‌های صنعتی شهرستان‌های مذکور با بازنگری وضعیت توزیع سرمایه‌های بخش صنعت و جلب و جذب سرمایه‌گذاران و گسترش فعالیت‌های بخش خصوصی توجه داشته‌اند. مهم‌ترین موانع پیش روی توسعه نامتوازن شهرک‌های صنعتی استان گیلان، کمبود نقدینگی و تهیه مواد اولیه و ماشین‌آلات تأثیرگذار بوده است. تعامل دانشگاه و بخش صنعت از طریق پارک‌های علم و فناوری و رویکرد به شکل‌گیری خوشه‌های صنعتی برای هدایت منطقه آزاد تجاری-صنعتی انزلی (به‌عنوان یکی از طرح‌های موضوعی کارکردی منطقه آزاد انزلی) موجب توسعه متوازن و ساماندهی فعالیت شهرک‌ها و نواحی صنعتی شهرستان‌های استان گیلان می‌شود و به‌این‌ترتیب فرصت‌های اشتغال بدون مهاجرت در شهرستان‌های استان فراهم می‌آید تا از این طریق محرومیت توسعه‌یافتگی استان نیز کاهش یابد.

سپاسگزاری

از جناب آقای دکتر ناصر عظیمی تشکر می‌شود که به‌عنوان استاد مشاور در پیشبرد این پژوهش نقشی مؤثر داشتند و راهنمایی‌های ایشان راهگشای این تحقیق بوده است.

منابع

۱. چلبی، مسعود، ۱۳۹۱، تحولات جامعه‌شناسی، تجزیه و تحلیل نظریات جامعه‌شناسی، نشر نی، تهران.
۲. سالنامه آماری ایران، گیلان، ۱۳۹۰، گروه تعاونی، کار و رفاه اجتماعی استان گیلان.
۳. سبکبار، فرجعلی، ۱۳۹۱، تحلیل فضایی محرومیت‌های سکونتگاه روستایی در ایران، فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، ۱۳۹۱، شماره ۱، صص ۸۵-۱۰۰.
۴. شکویی، حسن، ۱۳۹۱، ایده‌های نو در فلسفه جغرافیا، چاپ چهاردهم، نشر گیتاشناسی، تهران.
۵. شیانی، ملیحه، ۱۳۸۴، فقر، محرومیت و شهروندی در ایران، فصلنامه رفاه اجتماعی، ۱۳۸۴، شماره ۱۸، صص ۴۱-۶۴.
۶. شیخ بیگلو، رعنا، تقوایی، مسعود و حمیدرضا وارثی، ۱۳۹۱، تحلیل فضایی محرومیت‌ها و نابرابری‌های توسعه در شهرستان‌های ایران، جلد دوازدهم، شماره ۴۶، صص ۲۱۵-۲۴۵.
۷. عظیمی، ناصر، ۱۳۸۴، برنامه‌ریزی منطقه‌ای، شهر و انباشت سرمایه، نیکان، مشهد.
۸. عظیمی، ناصر، ۱۳۸۱، تاریخ تحولات اجتماعی-اقتصادی در گیلان، نگاهی نو، نشر گیلکان، رشت.

۹. گزارش توسعه استان گیلان در سال ۱۳۹۰، بخش نخست، دفتر برنامه ریزی، آمار و اطلاعات استان گیلان، معاونت برنامه‌ریزی و اشتغال استانداری گیلان.
۱۰. مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰، سرشماری نفوس و مسکن استان گیلان.
۱۱. مرکز آمار ایران، ۱۳۹۲، گزارش نرخ بیکاری در سال ۱۳۹۲.
۱۲. مرکز سرمایه‌گذاری استان گیلان، ۱۳۹۳، قابل دسترسی در <http://investingilan.ir>.
۱۳. مصلی‌نژاد، غلامعباس، ۱۳۸۴، دولت و توسعه اقتصادی در ایران، نشر قومس، تهران.
۱۴. معصومی اشکوری، سیدحسن، ۱۳۹۰، اصول و مبانی برنامه‌ریزی منطقه‌ای، چاپ ششم، انتشارات پیام، تهران.
۱۵. هاروی، دیوید، ۱۳۹۲، تجربه شهری، ترجمه عارف اقوامی مقدم، نشر پژوه، تهران.
۱۶. هاروی، دیوید، ۱۳۹۰، وضعیت پسامدرنیته، ترجمه عارف اقوامی مقدم، نشر پژوه، تهران.
۱۷. یاسوری، مجید، ۱۳۹۰، مطالعه جغرافیایی بر توزیع سرمایه‌گذاری در گیلان، فصلنامه چشم‌انداز جغرافیایی، دانشگاه آزاد رشت، ۱۳۹۰، شماره ۱۱، صص ۱۳۹-۱۵۷.
18. Azimi, N., 2005, **Regional planning, city and capital accumulation**, first edition, Nika Publication, Mashhad. (*In Persian*)
19. Azimi, N., 2002, **History of Socio-economic evaluations in Guilan**, New Perspectives, Guilkan publication, Rasht. (*In Persian*)
20. Beall, J., 2002, **Globalisation and social exclusion in cities: Framing the debate with lessons from Africa and Asia**, Environment and Urbanization, Vol. 14, No. 1, PP. 41- 51.
21. Brian, B., 1989, **Theories of justice**, Vol. 1 of A Treatise on Social Justice (Berkeley and Los Angeles: University of California Press and London: Harvester-Wheatsheaf.
22. **Center of investment in Guilan Province**, 2014, It's Available at: <http://investingilan.ir>. (*In Persian*)
23. Chalbi, M., 2012, **Sociology order: Describes and analysis the theoretical social order**, 5th edition, Ney Publication, Tehran. (*In Persian*)
24. **Guilan Development Report for**, 2011, Part one, office of planning, Statistics and Information Guilan province, Deputy Governor of Guilan planning and employment. (*In Persian*)
25. Harvey, D., 2011, **The Condition of postmodernity: An enquiry into the origins of cultural change**, Translated by: Aghvami Moghaddam, A., 1st edition, Publication Pezhvak, Tehran. (*In Persian*)
26. Harvey, D., 2013, **Urban experience**, Translated by: Aghvami Moghaddam, A., 1st edition, Publication Pezhvak, Tehran. (*In Persian*)
27. Higgins, K., Bird, K., and Harris, D., 2010, **Policy responses to the spatial dimensions of poverty**, Working paper, Overseas Development Institute and the Chronic Poverty Research Centre, London/ Manchester.
28. Kanbur, R. and Venables, A., 2003, **Spatial inequality and development**, Cornell-LSE-WIDER Conference on Spatial Inequality and Development, Cornell University.
29. Khan, S., 2012, **Topic guide on social exclusion**, 2nd edition, Governance and Social Development Resource Centre, International Development Department, University of Birmingham.
30. Langlois, A. and Peter, K., 2001, **Identifying and measuring dimensions of urban Ddeprivation in Montreal: An analysis of the 1996 census Data**, Urban Studies, Vol. 38, No. 1, 119-139. Lefebver, H., 1974, **La production de l'espace**, Anthropos, Paris.
31. Masoumi Eshkevari, H., 2011, **Principles and Theoretical regional planning**, 6th edition, Payam Publication, Tehran. (*In Persian*)
32. Mossalanejad, G., 2005, **The state and economic development in Iran**, Ghomes Publication, Tehran. (*In Persian*)

33. Pacione, M., 2003, **Urban geography, a global perspective**, Second Edition, Routledge, London.
34. Rawls, J., 1971, **A theory of justice**, Harvard U.P.
35. Sabokbar, F., 2012, **Analysis of the spatial disparities of rural settlements in Iran**, Journal of Economics Spatial and Rural Development, Vol. 1, No. 1, PP. 83- 100. *(In Persian)*
36. Statistical Center of Iran, 2013, **Unemployment rate report in 2013**. *(In Persian)*
37. Statistical Yearbook of Iran, Guilan, 2011, **Census of population and housing Guilan Province**. *(In Persian)*
38. Statistical Yearbook of Iran, Guilan, 2011, **Department of cooperatives, labor and social welfare of Guilan**. *(In Persian)*
39. Sheikhbegloo, R., Taghvaie, M. and Varesi, H., 2012, **Spatial analysis of deprivation and inequality in Iranian counties**, Social Welfare Quarterly, Vol. 12, No. 46, PP. 189- 214. *(In Persian)*
40. Shiani, M., 2005, **Poverty, exclusion and citizenship in Iran**, Journal of Social Welfare, Vol. 5, No. 18, PP. 41-64. *(In Persian)*
41. Shokouie, H., 2012, **New ideas in the philosophy of geography**, Vol. I, 14th edition, Gitashenasi Publication, Tehran. *(In Persian)*
42. Statistical Center of Iran, 2011, **Census of population and housing Guilan province**. *(In Persian)*
43. Yasouri, M., 2011, **A study of the geographical distribution of investments in Guilan**, Journal of Geographical Perspective, Islamic Azad University, Rasht Branch, Vol. 6, No. 14, PP. 139- 157. *(In Persian)*